

■ پژوهشی در اصطلاحات مالی دوره صفویه  
(پرداخت وظیفه به موالید و مشایخ در آستان قدس)

ابوالفضل حسن آبادی

■ چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی یکی از اصطلاحات مالی دوره صفویه، براساس محتوای اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس، و سنجش ارزش‌های اطلاعاتی این اسناد است. تاکنون، درباره «وظیفه» در دوره صفویه تحقیق مستقلی صورت نگرفته است و این پژوهش در نظر دارد به عنوان نخستین پژوهش مدون در این زمینه، با استفاده از اطلاعات اسناد آستان قدس، درباره پرداخت‌های مالی به افراد مختلف، فقط به پرداخت وظیفه به موالید و مشایخ بپردازد.

روش/ رویکرد پژوهش: روش این پژوهش، اسنادی و متکی بر اطلاعات موجود در اسناد است و با تبیین ویژگی‌های سندشناسی و سندپژوهی سعی می‌کند جنبه‌های مختلف اهمیت اسناد را مشخص نماید. البته برای تأیید یارده مطالب سندی، نگاهی نیز به منابع کتابخانه‌ای دارد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آنچه تاکنون با عنوان وظیفه در منابع دست اول و یا مقالات به آن پرداخته شده کلی بوده و به جزئیاتی مانند علت پرداخت، نحوه پرداخت، و میزان آن توجه نشده است و بررسی اطلاعات اسناد مورد بررسی درباره یکی از انواع پرداخت وظیفه، ضمن آشنایی با این نوع سند ما را با دیدگاه‌های جدیدی در زمینه اصطلاحات مالی دوره صفویه آشنا و زمینه تحقیقات بیشتر در این حوزه را فراهم می‌نماید.

کلیدواژه‌ها

صفویان/وظیفه/موالید/مشایخ/اسناد آستان قدس رضوی

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و دوم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۱)، ۶-۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۲۳ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۴

# پژوهشی در اصطلاحات مالی دوره صفویه (پرداخت وظیفه به موالد و مشایخ در آستان قدس)

ابوالفضل حسن آبادی<sup>۱</sup>

## مقدمه

پژوهش در امور مالی و اداری در زمره موضوعاتی است که به دلایلی مانند کمبود اسناد و مدارک تاریخی و منابع تحقیقی کمتر مورد توجه محققان مسائل دوره صفویه قرار گرفته است. پژوهش در مورد اصطلاحات مالی نیز به مراتب کمتر از تحقیقات در زمینه تشکیلات اداری مالی است. از معدود کارها در زمینه اصطلاحات مالی می توان در حوزه مقالات به بررسی چند سند تاریخی در مورد سیورغال (ورهرام، ۱۳۶۶، ص ۶۶۷) سیورغال در دوره صفویه (حسن آبادی، ۱۳۸۶، صص ۶۳-۸۱)، توسط لمبتون در دایره المعارف بزرگ اسلامی و مینورسکی اشاره نمود (لمبتون، ۱۹۹۵) از منابع دوره صفویه می توان به کتاب های تاریخی مربوط به همین دوره مانند خلاصه التواریخ (منشی، ۱۳۵۹)، عالم آرای عباسی (ترکمان، ۱۳۷۷)، دستور شهریاران (نصیری، ۱۳۷۳)، وقایع السنین و العوام (خاتون آبادی، ۱۳۵۲) به خصوص، دو کتاب با ارزش و تخصصی مربوط به این موضوع یعنی دستور الملوک (میرزافیعا، ۱۳۸۵). تذکره الملوک (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸) و سفرنامه هایی مانند شاردن (شاردن، ۱۳۷۵) اشاره نمود. از کتاب های تحقیقی می توان به مالک و زارع (لمبتون)، تاریخ اقتصادی صفویه (فلور)، پژوهشی در تشکیلات دیوان اداری (بوسه)، اشاره کرد که اشاراتی به سامانه اداری و مالی داشته اند. در این مقاله، با توجه به اسناد دوره صفویه موجود در مرکز اسناد آستان قدس، به یکی از اصطلاحات مالی با عنوان «پرداخت وظیفه» می پردازیم. در این اسناد با ارزش، پرداخت وظیفه، به اشکال متنوعی مانند پرداخت وظیفه سادات، کارکنان، موالد، و مشایخ ذکور و اناث ذکر شده

۱. دانشجوی دکتری تاریخ محلی  
دانشگاه اصفهان  
ahassanabady1@yahoo.com



که با توجه به ارزش اطلاعاتی اسناد و زیاد بودن تعداد آنها، پرداخت وظیفه به موالید و مشایخ ذکور و اناث بررسی می‌شود که تا کنون در جای دیگری مورد پژوهش قرار نگرفته است. در این بررسی، ابتدا در مورد ارزش‌های اطلاعاتی و ساختار اسناد و اصطلاح وظیفه، به صورت کلی بحث خواهیم کرد و در ادامه، محتوای کلیه اسناد موجود در دوره صفویه مورد بررسی قرار گرفته و سپس براساس پرسش‌های مطرح شده در مقاله سعی خواهد شد تا اطلاعات استخراج شده دسته‌بندی و تحلیل شود. در تحلیل محتوای اسناد، به علت نبود منابع مرتبط دیگر، فقط به استفاده از محتوای اسناد و ارجاع به آنها بسنده و سعی شد اطلاعات به دست آمده در چارچوب پرسش‌های مطرح شده مستند گردد. ذکر این نکته الزامی است که این مقاله، براساس پرسش‌های طرح شده نگارش یافته و ممکن است با توجه به نیازهای اطلاعاتی و تخصص پژوهشگران از جنبه‌های دیگری نیز قابل بررسی باشد. پرسش‌های اساسی مقاله عبارت‌اند از:

۱. علت ارتباط این اسناد با آستان قدس چه بوده است؟
۲. دریافت‌کنندگان وظیفه چه کسانی بوده و شرایط استحقاق افراد برای دریافت چه بوده است؟
۳. سامانه دریافت و پرداخت پول چگونه بوده است؟
۴. نحوه صدور احکام وظیفه چگونه بوده است؟
۵. محل تأمین هزینه پرداخت وظیفه کجا بوده است؟

### ساختار و ارزش‌های اطلاعاتی اسناد

مجموعه اسنادی که با عنوان پرداخت وظیفه به موالید و مشایخ در این مقاله به آن پرداخته می‌شود از مجموعه ۶۹ هزار صفحه‌ای اسناد تشکیلات اداری آستان قدس در دوره صفویه است که بازه زمانی سال‌های ۱۰۰۰ تا ۱۱۴۸ ق. را در برمی‌گیرد و از ارزش‌های اطلاعاتی زیادی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری، و مالی برخوردار است. این اسناد، شامل ۴۵ شماره اموالی اسناد و در حدود ۱۶۸۰ برگ است که نخستین آنها به سال ۱۰۴۰ (ساکماق: ۳۲۱۹۶) و آخرین آنها به سال ۱۱۴۰ ق. (ساکماق: ۳۲۷۷۰) می‌باشد. کلیه اسناد در قطع دیوانی (خشتی) است که به آن «فرد محاسباتی» گفته می‌شود (روستایی، ۱۳۸۷، ۱۰۴). خط کلیه اسناد دیوانی، تعلیق است و در بسیاری از آنها از نگارش سیاقی استفاده شده است.

بررسی سربرگ اسناد اداری نشان می‌دهد که هفت نوشتار کوتاه در سربرگ با توجه به محتوای اسناد در کلیه آنها تکرار شده است که از این میان هفت عنوان زیر به صورت تکرار آمده است:



۱. انجام مهمات و معاملات سرکار فیض آثار سنه: این جمله در کلیه اسناد آستان قدس چه اسناد درآمد و چه اسناد پرداخت‌ها آمده است؛
  ۲. توجیهات و مقررات: کلیه خرجکردها و پرداخت‌های اسناد اداری آستان قدس با عنوان توجیهات و مقررات آمده است؛
  ۳. توجیهات: کلیه پرداخت‌های مالی آستان قدس (شهشهانی، بی تا، ص ۱۳۸)؛
  ۴. وظایف یا وظیفه: در نخستین سال (۱۰۴۰ ق.) «وظایف» و در ادامه، از کلمه «وظیفه» استفاده شده است؛
  ۵. مولید و مشایخ؛
  ۶. ذکور یا اناث؛ و
  ۷. نام فرد گیرنده؛
- اسناد پرداخت و وظیفه مولید و مشایخ از جنبه‌های مختلفی واجد ارزش بررسی است که در اینجا فقط به قسمت‌هایی از آن پرداخته خواهد شد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
۱. **ارزش اداری اسناد:** با توجه به اینکه اسناد، دوره زمانی بین سال‌های ۱۰۴۰-۱۱۴۰ ق. در بر می‌گیرد، از بررسی آنها می‌توان به نکات جالبی در مورد تغییرات سرب‌گ اسناد، تغییرات احتمالی در مناصب اداری، و نحوه ارتباط آنها با موضوع، اسامی افراد مرتبط با موضوع در هر دوره، تغییرات نحوه کار اداری و عوض شدن مراحل کاری در هر دوره، تغییرات در مناصب اداری مهم، جایگاه مناصب اداری، و تعاملات منطقه‌ای و محلی دست پیدا کرد.
  ۲. **ارزش اقتصادی و مالی:** نحوه وصول مبالغ از محل‌ها، سامانه مالی دریافت و پرداخت، تغییرات در روش‌های جمع‌آوری و پرداخت‌ها، اوزان قدیم، و تغییرات در میزان و مبلغ‌های دریافتی و پرداختی که مبین وضعیت اقتصادی هر دوره است.
  ۳. **اصطلاحات:** اصطلاحات بسیاری در این اسناد ذکر شده که کمتر در جای دیگری آمده یا کاربرد آنها در سامانه اداری، مشخص شده است مانند: وظیفه، توجیهات و مقررات، برات، و وکالتنامه (ساکماق: ۳۲۱۸۲).
  ۴. **ارزش رجال‌شناسی:** در این اسناد، اسامی بعضی صاحب‌منصبان نظامی، صاحب‌منصبان اداری، صاحبان سیورغالات و تیول، و برخی اماکن مذهبی آمده که در منابع همان دوره نیامده است.
- با بررسی محتوایی این اسناد و طرح پرسش‌هایی مانند ارتباط این اسناد با آستان قدس، چگونگی پرداخت پول به افراد، محل پرداخت و چگونگی تأمین هزینه، صلاحیت گیرندگان، و مقایسه اطلاعات جمع‌آوری شده با منابع در دسترس سعی خواهد شد جوانب موضوع کاملاً بررسی گردد.

## وظیفه

در اینجا، دلیل پرداخت به موالید و مشایخ ذکور و اناث، بررسی و در ادامه به محتوای اسناد خواهیم پرداخت. در مورد وظیفه، تعریف جامع و مشخصی وجود ندارد و از اطلاعات موجود تنها برداشت‌های کلی حاصل می‌شود. وظیفه، در مجموع نوعی پرداخت مالی بود که به طیف وسیعی از افراد در دوره صفویه تعلق می‌گرفت. دیدگاه‌های مختلفی در مورد معنی وظیفه، نحوه پرداخت، و گیرندگان از سوی محققان ابراز شده است. مینورسکی، وظیفه را نوعی اعانه و تصدق آورده که به صورت نقدی پرداخت می‌شد (۱۳۶۸، ص ۱۶۰). بوسه، ذکر کرده که وظیفه، اصطلاحی است که از جاهای مختلفی امکان پرداخت آن بوده و به دلایلی قطع می‌شد (۱۳۶۷، ص ۱۹۹). فلور، معتقد است که محل پرداخت وظیفه از درآمد موقوفات بوده و از محل‌های گوناگونی مانند مالوجهات، رسد، و محصول پرداخت می‌شد. وی، زمان پرداخت‌ها را سالیانه یا شش‌ماهه آورده که قبض برای آن صادر می‌شد (۱۹۸۸، ص ۶۲). نحوه صدور احکام وظیفه، معمولاً با درخواست فرد یا مقام دولتی و صدور فرمان از جانب شاه بود که امور آن در ذیل وظایف مستوفی خاصه آمده است (میرزافیعا، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹). این احکام، توسط مجلس نویس نوشته می‌شد و لشکرنویسی نیز آن را مهر می‌کرد (میرزافیعا، ۱۳۸۵: ۲۰۵). با توجه به این اطلاعات پراکنده می‌توان گفت که وظیفه نوعی کمک به افراد در خارج از تشکیلات اداری و نوعی پرداخت اداری به درباریان و تشکیلات اداری مانند آستان قدس بوده است. برداشت اطلاعات از منابع موجود مبهم و کلی است و نقص آن با بررسی اسناد در ادامه بیشتر مشخص خواهد شد.

## ارتباط این اسناد با آستان قدس

یکی از مسائل مهم، علت وجودی این اسناد در مرکز اسناد آستان قدس است. چرا آستان قدس باید به رجال و افراد خاص برای مدت‌های طولانی پول پرداخت کند؟ آیا شاه صفوی، به علت متولی بودن، از این قدرت برخوردار بود که در کلیه امور آستان حتی مصارف وقفی دخالت مستقیم داشته و می‌توانسته در آن تغییراتی بدهد؟ جایگاه و میزان اختیارات متولی چقدر بوده است؟ تنوع محل تأمین هزینه‌ها، که گاهی از مزارع و گاهی از انبار و خزانه تأمین می‌شد، بیانگر آن است که شاه و گاهی اوقات درباریان در امور دخالت مستقیم داشته‌اند و به‌خصوص، خواست شاه و دخالت درباریان مهم‌ترین علت وجودی این اسناد و تخصیص کمک به افراد بوده است. اما با توجه به برخی فرامین صادره که صریحاً منبع تأمین مالی را از محل موقوفات ذکر کرده، این احتمال را تقویت می‌کند که در برخی موقوفات آستان قدس مبالغ خاصی برای کمک به افراد از سوی واقفان، وقف شده و یا از محل موقوفاتی که اختیار



مصرف آنها به متولی آستان قدس واگذار شده مبالغی به صورت سلیقه‌ای و دلخواه از سوی شاه برای کمک در نظر گرفته می‌شد. هر دوی این عوامل در کمک آستان قدس به افراد دخیل بوده است (حسن آبادی، ۱۳۹۰: صص).

### دریافت کنندگان و شرایط استحقاق افراد

یکی از مباحث قابل توجه این مقاله، گیرندگان کمک، تنوع آنها، و چگونگی استحقاق برای دریافت کمک است که به پرسش‌های جزئی‌تری مانند جنس افراد دربرگیرنده، دامنه سنی دریافت کنندگان، و ارتباط خویشاوندی بین دریافت کنندگان تقسیم می‌شود. افراد کمک گیرنده شامل زن و مرد می‌شدند، اما نسبت تعداد مردان به زنان در اسناد باقی مانده بیشتر است. نکته‌ای که باید توجه کرد این است که همواره این کمک به مردان تعلق می‌گرفت و علت آمدن نام زنان در اسناد وابسته بودن به مردان و ارث رسیدن کمک بعد از فوت مرد بوده است. چنانچه، زن ممکن بوده همسر فرد دریافت کننده، دختر، خواهر، یا نوه و نبیره وی باشد؛ اما فرمان و سندی در دست نیست که زن درخواست کمک نموده و حکم، نخستین بار برای یک زن صادر شده باشد. بررسی موقعیت اجتماعی گیرندگان نشان می‌دهد که ماهیت گیرندگان در دوره مورد بررسی تغییر کرده است. در ابتدا، رجال و شخصیت‌های غیر آستان قدس و در اواخر این دوره بیشتر کارکنان آستان قدس آن را دریافت می‌کردند. برخی از این افراد، رجال شاخص و به خصوص وابسته به خانواده روحانیون معتبر، افراد حکومتی و برخی افراد معمولی بودند و نمی‌توان شاخص خاصی برای استحقاق افراد تعریف کرد. در ابتدای این دوره، به خصوص در دوره شاه عباس اول و دوم، روحانیون بیشتر بوده‌اند و به تدریج نام افراد عادی نیز در میان اسناد دیده می‌شود. از معروف‌ترین رجال غیر آستان قدس، می‌توان به اولاد میرزا عبدالله شوشتری (ساکماق: ۱۰۳۸)، شاه‌قلی غلام نواب جنت مکانی (ساکماق: ۳۱۸۳۱/۶۰)، عبدالرضا استرآبادی (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۶۳)، اولاد ملا فرج‌الله شوشتری (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۳۴)، مولانا شاه حسین منجم جنابدی (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۴۰)، جمال‌الدین عبدالعال (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۴۸)، ابراهیم ولد شیخ بدرالدین (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۴۵)، اولاد و نواده خواجه عتیق (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۳۱)، اسحق استرآبادی، اولاد ملا محمدعلی رستم‌دار (ساکماق: ۳۴۰۲۳/۵۱)، محمد بیگ کفاش غلام خاصه و محمد امین استرآبادی (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۵۸) اشاره کرد. از رجال آستان مقدس می‌توان از غلامرضا سقاباشی (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۵۳)، محمد تقی ولد محمدرضا فراش (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۷۳)، اولاد محمد کفشبان (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۸۰)، آقا کریم دربان در نقره (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۲۱۱)، آقا عباس خدمتکار چهل چراغ (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۲۱۵)، و محمد شریف خادم سرکار (ساکماق: ۳۴۶۳۲/۳۷) نام برد که بیشتر افراد عادی بوده‌اند.



یکی از مشخصه‌های اصلی افرادی که وظیفه دریافت می‌کرده‌اند، علاوه بر انتساب آن به خانواده‌های معروف این دوره مانند شوشتری یا استرآبادی، وابستگی و انتساب افراد به یک شهر بود که بر بسیاری از گیرندگان دلالت داشته است. برخی انتصابات به شهرها یا مناطق مانند کشمیری (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۵۹)، سیستانی (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۶۷)، کاشی (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۸۴)، سبزواری (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۷۷)، قندهاری (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۸۱)، رکنی (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۴۸)، اردبیلی (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۳۷)، یزدی (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۷۷)، تبریزی (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۶۰)، بافقی (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۱۱)، مازندرانی (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۷۱)، اصفهانی (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۷۷)، مشهدی (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۸۳)، قزوینی (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۱۰۱)، تویسرکانی (ساکماق: ۳۲۵۵۸/۱۰۳)، اسفراینی (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۳۱)، و نیشابوری (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۲۳) بوده و در مواردی خاص به یک قبیله مانند محمدرضا قاجار (ساکماق: ۳۴۱۱۶/۱۳)، و یا یک فرقه خاص مانند دراویش تکیه بکتاشیه عیدگاه (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۶۶)، میرزا ابراهیم قاجار (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۱۲۹)، غلامرضا بخارایی جدید الاسلام (ساکماق: ۳۴۲۲۶/۳۳)، و ملا اسفندیار هزار جریبی (ساکماق: ۳۲۷۲۵/۴۴)، یا شغلی قالی باف (ساکماق: ۳۲۵۸۸/۸) و درویش رجب چولاق (ساکماق: ۳۱۸۳۱/۲۰) منتسب می‌شد.

از مهم‌ترین زنان دریافت‌کننده وظیفه می‌توان به مریم استرآبادی (ساکماق: ۳۱۸۳۹/۳۴) زوجه ملا احمد استرآبادی (ساکماق: ۳۲۱۹۵/۱۳)؛ شهربانو خانم، دختر شیخ بدرالدین عبدالعال (ساکماق: ۳۲۱۹۵/۱۲)؛ شاه‌زمان خانم، صبیحة شیخ بدرالدین عبدالعال؛ سلطانم بیگم، نبیره خواجه صدر منشی (ساکماق: ۳۳۴۹۰/۶)؛ دختر عبدالواحد شوشتری (ساکماق: ۳۱۸۳۲/۱۲)؛ و همشیره ملا محمد حسین استرآبادی (ساکماق: ۳۱۸۳۱/۱۹) اشاره کرد. برای گیرندگان مرد، معمولاً عنوان فضیلت پناه (ساکماق: ۳۴۲۳۶/۹)، مولانا (ساکماق: ۳۲۱۹۵/۳۱)، ملا (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۹۸)، درویش (ساکماق: ۳۲۱۹۶/۷)، صلاحیت پناه (ساکماق: ۳۴۸۷۰/۴۹)، صلاحیت شعار (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۳۹)، رفعت پناه (ساکماق: ۳۲۲۷۵/۹۱)، شیخ (ساکماق: ۱۹/۳۲۱۹۶)؛ و برای خانم‌ها مسماء بیگم (ساکماق: ۳۲۹۱۵/۱۴)، و عصمت پناه (ساکماق: ۳۲۱۹۵/۲۳) به کار رفته است. معمولاً، این گیرندگان تا چند نسل، وجه را دریافت می‌کردند و به فرزندان یا حتی به خواهر و برادر گیرنده نیز به ارث رسیده و از زن قابل انتقال به فرزندان بوده است. از قدیمی‌ترین خانواده‌هایی که در این دوره تا چند نسل از آستان قدس موجب دریافت می‌کردند، اولاد خواجه عتیق منشی، نخستین واقف آستان قدس در دوره صفویه است که تا آخر دوره ادامه یافته است. در منابع هیچ اطلاعاتی درباره شرایط استحقاق دریافت پول آورده نشده است و موارد کلی که در اسناد ذکر شده «ظهور اهلیت و یا قابلیت» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۹) «استحقاق و



نیاز» (ساکماق: ۳۲۸۹/۳۹) و یا «ظهور طلع و بیداد و ضیق معاش امارت» (ساکماق: ۲۲۸۰۵) بوده است. با توجه به نام افرادی که در اسناد ذکر شده وابسته بودن به خانواده معروف یا روحانیون و رجال، نیاز مالی، غریب بودن و زوار نیازمندی که مجاور و در مشهد ساکن شده از شرایط استحقاق بوده است (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۷۵، ۳۴۲۸۹/۹ و ۳۴۲۸۹/۱۲۹). این پول گاهی نسل به نسل به ارث می‌رسید، اما به نظر می‌رسد دائمی بودن آن به عواملی بستگی داشته است. در صورتی که فرد به علت نیاز یا مجاورت در مشهد مبلغی دریافت می‌کرد، در صورت از بین رفتن شرایط، این پول قطع می‌شد. بر اساس اسناد موجود، خانواده روحانیون معروف، رجال صاحب نام، و کارکنان آستان قدس که عواملی بیشتر از نیاز مالی در پرداخت به آنها مؤثر بوده، این پول را طی چند دهه دریافت کرده‌اند؛ اما برای افراد عادی این دریافت‌ها با شروطی همراه بوده است. گاهی شرایط فرد برای گرفتن مبلغ در زمان حیات از بین رفته و پرداخت پول قطع می‌شد «شیخ حسن استرآبادی به هند رفت» (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۷). فرد وظیفه‌گیرنده می‌توانست در زمان حیات مواجب خود را به خانواده خود واگذار کند «مانند خواجه فریدون حسن در حضور مستوفی به همشیره خود واگذار کرده است» (ساکماق: ۳۲۷۲۵/۶۹). اگر فرد از مشهد خارج می‌شد پول به فرزندان وی می‌رسید (ساکماق: ۳۲۱۹۵/۷۱). امکان داشت قطع پرداخت وظیفه به علت اشتباه یا ارائه گزارش غلطی به بالا بوده که با پیگیری فرد دوباره برقرار می‌شد. در مواردی، افراد بعد از فوت گیرنده وظیفه، پیشدستی کرده و زودتر به دربار نامه می‌نوشتند و برای خود و اولاد دورتر که کمتر استحقاق داشتند، پول می‌گرفتند؛ چنانچه در مورد ملا محمد جعفر به محمد ابراهیم از آشنایان دور با هماهنگی با زن وی پول را به اسم خود و همسر متوفی گرفته‌اند و بعد پسر میرزا جعفر با دربار نامه‌نگاری کرده و اولاد خود را ارجح بر این افراد دانسته و فرمان مجددی برای وی و فرزندان صادر شده است. دخالت دربار در امر استحقاق افراد، باعث گلایه متولیان آستان قدس از دربار شده است. در نامه میرزا داود متولی، به شاه سلطان حسین، ضمن شکایت از دخالت درباریان در کار آستان، تحقیق استحقاق از باب وظایف متولی آمده است و شاه در پاسخ، اختیار قطع وظیفه گیرنده را در صورت عدم استحقاق، از اختیارات متولی بر شمرده است (ساکماق: ۳۴۳۴۳). طرفین خطاب شاه در رعایت این امر، مستوفیان دیوان اعلی، مستوفی موقوفات ممالک محروسه، و محرران ارقام و احکام بوده است. در اسناد موجود، به نظر می‌رسد که میزان اختیارات متولی طی سال‌ها متفاوت و کم و زیاد می‌شد. در نامه دیگری که میرزا داود به شاه سلطان حسین نوشته، درخواست مجوز پرداخت سیصد خروار غله تصدقی به صورت وظیفه به اهل استحقاق داشته و شاه نیز با توجه به سابقه پرداخت قبلی با آن موافقت و اختیار پرداخت را به متولی داده است. این سند، بیانگر میزان پول پرداختی به افراد، طی سال و نقش شاه و متولی آستان قدس در پرداخت‌هاست که البته فقط پرداخت غیر نقدی را شامل می‌شد.



(ساکماق: ۳۴۳۴۳). نکته آخر اینکه، پرداخت این پول همیشه اولویت اول آستان نبوده است و در صورت بروز حوادثی مانند خشکسالی و سیل که باعث کاهش درآمد آستان و از بین رفتن درآمد موقوفات می شد دستخوش نوسان می شد. نادر، در سال ۱۱۴۷ ق. به محمد رضا رضوی، متولی آستان قدس دستور می دهد که با توجه خشکسالی، کمبود محصولات، و ضرورت رعایت حال رعایای آستان، تأمین اخراجات ضروری در اولویت بوده و چنانچه پولی ماند به ارباب استحقاق بدهند.

### نحوه صدور احکام وظیفه

بعد از ظهور استحقاق و دارا بودن شرایط، شخص به دو صورت درخواست حکم رسمی از شاه برای پرداخت وظیفه می کرد:

شخص یا مستقیماً به دربار مراجعه یا مکاتبه و درخواست صدور حکم می کرد و یا به متولی آستان قدس مراجعه و درخواست خود را مطرح می کرد و از طرف متولی به شاه نامه نوشته می شد.

نوع نخست، در اسناد موجود بیشتر است. بعد از صدور فرمان، فردگیرنده با تهیه سوادى از آن به آستان قدس مراجعه و بعد از طی مراحل اداری پول خود را دریافت می کرد. در تمامی احکام صادره چند جزء ثابت وجود داشته است:

۱. شروع اسناد با طغرای «حکم جهان مطاع شد» و «فرمان همایون شد» بوده و در صورتی که حکم تأیید فرمان پادشاه قبلی بود از عبارت «شاه بابام انارالله» استفاده می شد.  
۲. نام فرد گاهی با پسوند به کار می رفت مانند مولانا، شیخ، درویش، ملا، صلاحیت شعار، یا فضیلت پناه. در صورتی که، حکم برای بیش از یک نفر صادر می شد اسم یک نفر - شاید پسر بزرگ تر - در حکم ذکر شده و از بقیه به نام «سایر اولاد» نام برده شده است (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۹۸).

۳. جزء سوم نام فردی است که از او به افراد ارث می رسید. البته در صورتی که فرمان در ابتدا مستقیماً برای فرد صادر می شد این قسمت حذف می شد.

۴. شرحی که دلیل صدور حکم را بیان می کند (ظهور استحقاق، قابلیت فرد، یا به علت ارث از پدر یا مادر) (وظیفه والده مومی الیه که داخل طومار نسق است و متوفی شد) (ساکماق: ۳۳۴۳۹/۹۸).

۵. شرح حکم قبلی، در صورت وجود، و توضیح مختصری از آن «آنکه چون در طومار نسق لوی ئیل مطابق ۱۰۵۰ سرکار آستانه منوره سدره...» به نحوی که مشخص شود دلیل صدور حکم در قبل چه بوده است.



۶. علت صدور حکم در زمان صدور «درینولاه او ابوالحسن ولد مشارالیه بدرگاه جهان پناه آمده معروض داشت...».
۷. تعیین مقدار وظیفه تعلق گرفته به فرد نقدی و غیر نقدی.
۸. تعیین محل دادن وظیفه معمولاً به از بابت موقوفات می آمد (ساکماق: ۴۹/۳۴۸۷۰).
۹. تعیین زمان اعتبار سند «سال به سال بازیافت و صرف معیشت خود نماید».
۱۰. دعای آخر سند که در تمامی فرمانها ذکر می شد «بفر اقبال و رفاه حال بدعاگوی دوام دولت روز افزون اشتغال نماید».
۱۱. دستور به کسانی که طرف انجام حکم بودند در مورد نحوه انجام آن و مسائلی که باید رعایت نمایند «متولی و ناظر جلیل القدر و مستوفی سرکار فیض آثار».
۱۲. تعیین زمان نحوه پرداخت: «شش ماهه» (ساکماق: ۲۹۱۵۷)، «هفت ماهه» (ساکماق: ۴۹/۳۴۸۷۰)، «نه ماهه» (ساکماق: ۳۷/۳۲۱۹۶)، «ده ماهه» (ساکماق: ۳۹/۳۴۲۸۹)، و یا سال به صورت کلی «تخاقوی ثیل» ذکر می شد (ساکماق: ۲۳/۳۳۴۴۰).
- به ندرت، در صورتی که تعداد وظیفه بگیران از یک نفر بیشتر بود، در متن سند نام آن ذکر می شد و میزان پول نقدی یا جنس تعلق گرفته به آنها می آمد (ساکماق: ۱۴۵/۳۲۹۹).
- پشت فرمانها توسط صاحب منصبان مختلفی مانند: صدر ممالک محروسه، صاحب توجیه، داروغه، لشکر نویس، مجلس نویس، و مستوفی الممالک مهر زده می شد. فرمانها، معمولاً توسط شاه صادر می شد، اما مواردی موجود است که صدر، فرمان صادر کرده است (ساکماق: ۵۹/۵۸/۱۴/۲/۳۱۸۳۱). این اجزا، معمولاً در همه فرمانها صادره در طول این دوره نمی آمد و به تناسب دلیل صدور گاهی بعضی از اجزاء حذف می شد.

### محل تأمین هزینه پرداخت وظیفه

- یکی از پرسشهای مهم پیرامون پرداخت پول به افراد، محل تأمین این پرداختها بوده است. در مجموع، محل پرداختها به دو صورت تعیین می شد:
۱. محلی که در حکم صادره مشخص می شد و به ندرت در فرمانها می آمد، اما چنانچه در حکم، محل خاصی برای تأمین ذکر می شد در سامانه اداری در آستان قدس محل پرداخت رعایت می شد. در اسناد موجود، «از محل موقوفات سرکار فیض آثار» محل پرداخت یاد شده است، به طور مثال «از بابت مال و یتیمچه قریه اخلومد» (ساکماق: ۲۳/۳۲۷۲۵) و «قریه فرودان اصفهان» (ساکماق: ۶/۳۳۴۳۹). نکته جالب اینکه، چنانچه در حکمی محل خاصی برای پرداخت در نظر گرفته می شد، در احکام بعدی که توسط پادشاهان دیگر در تأیید آن صادر می شد، محل تأمین وجه به همان محل حواله می شد «قریه فرودان اصفهان یا از بابت

مال و تیمچه اخلو مدکه بسپورغال آستان مقرر است» (ساکماق: ۱۲/۳۲۷۲۵).

۲. زمانی که به صورت کلی از محل موقوفات آستان نام برده شده و به محل خاصی اشاره نمی‌شد، اختیار انتخاب محل پرداخت به متولی آستان قدس واگذار می‌شد. بررسی اسناد موجود درباره محل‌های پرداخت بیانگر آن است که گاهی همه مبلغ یک نفر نه یکجا بلکه به چند محل حواله می‌شد (ساکماق: ۳۸/۳۲۵۵۸). همچنین، ممکن بود مبلغ و وظیفه در یکسال به محل‌های گوناگونی یا به یکجا حواله گردد (ساکماق: ۲۳/۳۴۰). در برخی سال‌ها محل پرداخت مشخص نبود و هزینه‌ها و پرداخت‌ها به صورت کلی آمده است (ساکماق: ۱۰۷۸). بررسی اسناد نشان می‌دهد محل خاصی برای پرداخت به زنان و مردان به صورت اختصاصی وجود نداشته است و ممکن بود همیشه پرداخت از محل ذکر شده در حکم نباشد و محل دیگری در نظر گرفته شود (ساکماق: ۷۱/۳۲۷۲۵). محل پرداخت‌ها، در سال‌های مختلف متفاوت بود و طی دو سال پیاپی از یک محل پرداخت نمی‌شد. پرداخت‌های غیر نقدی، معمولاً به مزارع و رعایای مزارع و پرداخت‌های نقدی بیشتر به خزانه حواله می‌شد.

در اینجا محل‌های پرداخت طبق سال اسناد به ترتیب ذکر می‌شود:

۱۰۳۸ق: «مستأجران خان سلطانم» (ساکماق: ۸/۳۱۸۳۲)، «مزرعه عارفی» (ساکماق: ۱۰/۳۱۸۳۲)، «مزرعه احمدآباد» (ساکماق: ۲۱/۳۱۸۳۲)، «محمدقلی ولد یوزباشی از بابت مبلغ غله بندکلات» (ساکماق: ۲۵/۳۱۸۳۲)، «انباردار سرکار» (ساکماق: ۲۸/۳۱۸۳۲)، «مزرعه اخنجان میانولایت» (ساکماق: ۳۲/۳۱۸۳۲)، «طاحونه میرعلیشیر» (ساکماق: ۳۳/۳۱۸۳۲)، «مالو جهات جناب تون» (ساکماق: ۵۱/۳۱۸۳۲)، «تحصیل هذالسنه اسفراین» (ساکماق: ۴۷/۳۱۸۳۲)، «دیزباد نیشابور» (ساکماق: ۵۵/۳۱۸۳۲)، و «مالو جهات محال وقفی اعتماد التولیه» (ساکماق: ۵۶/۳۱۸۳۲).

۱۰۴۰ق: «مزرعه کلاتچه، مزرعه خین چماقی، مزرعه کنه بیست، مزرعه جورمکن» (ساکماق: ۲۱/۳۲۱۹۵)، و «مزرعه خوبوشان» (ساکماق: ۱/۳۲۱۹۵).

۱۰۵۳ق: «تحویل انباردار» (ساکماق: ۷۳/۳۲۵۵۸)، «دیزباد نیشابور» (ساکماق: ۷۳/۳۲۵۵۸)، و «مزرعه نوکاریز» (ساکماق: ۱۱/۳۲۵۵۸).

۱۰۶۷ق: «مزرعه چهارده بند کلات» (ساکماق: ۱/۳۳۴۳۹)، «جنابد میان ولایت، جایاب و طرق» (ساکماق: ۲۱/۳۳۴۳۹)، «قریه اسجیل از بابت بقایا- مزرعه سحرآباد، مال تیمچه اخلو مد که بسپورغال آستانه است» (ساکماق: ۳۵/۳۳۴۳۹)، «کاه بها و جزینان» (ساکماق: ۳۶/۳۳۴۳۹)، «مزرعه جورمکن» (ساکماق: ۳۷/۳۳۴۳۹)، «مزره اطاب» (ساکماق: ۴۱/۳۳۴۳۹)، «اجارات سرکار» (ساکماق: ۴۳/۳۳۴۳۹)، و «مزرعه کنوجرد» (ساکماق: ۲۲/۳۳۴۳۹).

۱۰۹۴ق.: در این سال، به ندرت به محل پرداخت اشاره شده است، اما می توان به «از بابت مال و تیمچه قریه اخلومد» (ساکماق: ۳۲۷۲۵/۱۹) «مزرعه چلاق» (ساکماق: ۳۲۷۲۵/۲۳) «محل وقفی جنابد و قریه فرودان» (ساکماق: ۳۲۲۷۵/۶۲) اشاره کرد.

۱۱۰۲ق.: در این سال، تمام پرداخت «از محل انبار بود و فقط اولاد محمد علی کشمیری از بابت قریه فرودان بوده است» (ساکماق: ۳۲۴۰۱/۱۶).

۱۱۱۵ق.: در این سال، تمام پرداخت های غیر نقدی به انبار، و نقدی به جاهای مختلفی حواله می شد. «احمدآباد خواف» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۱)، «رعایای قصبه فرهادجرد جام» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۶)، «مزرعه چهارده بندکلات» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۲۶)، «مالو جهات مزرعه چشمه جلسب» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۶۹)، «تحصیلدار مالو جهات» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۳۲)، «مستأجر وجوه هوایی خیابان پایین پای مبارک» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۶۷)، و «رسوم خازن» (ساکماق: ۳۴۲۸۹/۲۱۱).

۱۱۲۵ق.: در این سال، برخی محل های جدید برای پرداخت وظیفه در نظر گرفته شده است، مانند «از بابت توفیرات و غیره» (ساکماق: ۳۴۶۳۲/۲) و «حق الشرب و مالکانه» (ساکماق: ۳۴۶۳۲/۹).

۱۱۲۸ق.: در این سال، تنوع محل پرداخت نسبت به سال های گذشته بسیار بیشتر بوده است. «بابت رسوم سرکارخان» (ساکماق: ۳۴۲۱۶/۳)، «موقوفات گنجعلیخان» (ساکماق: ۳۴۲۱۶/۱۴)، «حاصل ضریح مبارک» (ساکماق: ۳۴۲۱۶/۶)، «حق الشرب باغات» (ساکماق: ۳۴۲۱۶/۱۸)، «مستأجر طاحونه جدید مزرعه طرق» (ساکماق: ۳۴۲۱۶/۱۳)، «قریه فرودان، مستغلات شهر، و مستأجر محله کود» (ساکماق: ۳۴۲۱۶/۱۶).

در مجموع، محدودیت متولی در میزان مبلغی بوده که وی باید در هر سال به افراد می داد و در محل پرداخت و مبلغ حواله شده به هر محل با توجه به وضعیت درآمد موقوفه، اختیارات کلی داشته است. معمولاً مبلغ جنس به مزارع، باغات، و مبلغ نقدی به خزانه سرکار حواله شده است. از بررسی محل های پرداخت در سال های مختلف مشخص می شود که تفاوت در محل پرداخت ها زیاد بوده و مزارع کمی مانند چهارده بندکلات در سال های مختلف به آنها وجهی حواله می شد.

## سامانه دریافت و پرداخت پول

بعد از صدور حکم توسط شاه، برای فرد متقاضی که به مهر درباریان نیز می رسید، شخص با حکم مذکور به آستان قدس مراجعه و سواد آن را جهت ثبت در طومار نسق ارباب و وظایف

که برای نگهداری فهرست مستمری بگیران تهیه می‌شد، ارائه می‌کرد. متولی، براساس فرمان، تعلیقچه‌ای صادر و در ادامه نام فرد وظیفه گیرنده در طومار ارباب و وظایف ثبت می‌شد. بعد از ثبت مواجب، براساس مدت زمان تعیین شده در فرمان، بین شش، هفت، هشت، و دوازده ماهه وظیفه به فرد پرداخت و رسیدی از وی در ذیل عنوان «قبض به مستوفی» گرفته می‌شد. این رسید شامل اجزای زیر بوده است:

۱. ذکر تاریخ دقیق رسید،
  ۲. ثبت تعداد پول پرداختی یا غله،
  ۳. علت لزوم پرداخت غله،
  ۴. محل پرداخت،
  ۵. نام فرد گیرنده (معمولاً همراه لفظ احترام آمیز «کمترین» بوده است،
  ۶. نحوه دریافت،
  ۷. ذکر نام و القاب متولی آستان قدس که گاهی به بیش از دو خط می‌رسید، و
  ۸. گاهی در مقداری از متن، زمان و نحوه محاسبه پول، محل پرداخت و میزان حواله شده به هر محل دقیقاً ذکر می‌شد (ساکماق: ۳۴۲۱۹/۳۹/۴۰).
- با توجه به متن صریح فرمان، که به متولی آستان قدس و دست‌اندرکاران دستور داده تا هر سال حکم جدیدی برای پرداخت وظیفه فرد نطلبند «هر ساله پروانچه مجدد نطلبند» (ساکماق: ۳۲۲۵۶/۱۱۴۰) «هر ساله رقم مجدد طلب ندارند» (ساکماق: ۳۴۲۱۹/۳۹/۴۰) «در این باب قدغن دانسته هر ساله حکم نطلبند» (ساکماق: ۳۳۴۴۰/۲۳). این پرداخت‌ها به صورت دائمی بود. در موارد خاص که فرمان شاه گم شده و سابقه‌ای از آن نزد فرد و در آستان قدس موجود نبود، فرد درخواست رقم مجدد از شاه می‌کرد که برای وی صادر می‌شد (ساکماق: ۳۴۸۷۰/۴۳).
- در صورتی که فرد، قبلاً سواد حکمش در دفتر سرکار و طومار وظایف ثبت شده باشد، در سال بعد برای دریافت، عریضه‌ای به متولی آستان قدس می‌نوشت و درخواست مواجب هر ساله را می‌کرد. متولی، از مستوفی تقاضای تأیید درخواست را می‌کرد و مستوفی بعد از تأیید، مقدار وظیفه تعلق گرفته براساس طومار را برای متولی مشخص و دستور پرداخت صادر می‌شد و فرد بعد از دریافت، رسیدی به وکلای آستان قدس می‌داد و این عمل در طول سال‌ها تکرار می‌شد، مگر در صورت فوت فرد که برای فرزندان و یا گیرندگان وظایف وی حکم مجددی صادر می‌شد. در حکم صادره برای بازماندگان، اسم افراد ذی‌نفع به تفصیل می‌آمد و گاهی میزان مبلغ تعلق گرفته نیز دقیقاً مشخص می‌شد (ساکماق: ۳۲۹۹۳/۱۴۵). افراد، گاهی انفرادی پول خود را دریافت می‌کرد و گاهی فردی به نیابت از همه آن پول را

می‌گرفت. با توجه به اینکه مبلغی از وظیفه به مزارع خارج از شهر مشهد حواله می‌شد و گاهی امکان دریافت نبود، فرد، به علت ناتوانی در دریافت پول از شاه درخواست «پرداخت وظیفه از مرکز توسط آستان قدس» را می‌کرد تا بعداً پول را توسط فردی گرفته و پس دهد. گاهی گیرندگان، وکالتنامه‌ای تنظیم و به افرادی اختیار گرفتن پول را می‌دادند، این وکیل یک فرد عادی و گاهی از کارکنان آستان قدس بود (ساکماق: ۳۴۲۲۶/۹). در وکالتنامه، نام وکیل و مشخصاتی از شرح حکم دریافت وظیفه (مبلغ، زمان و محل دریافت) مشخص می‌شد. وکیل با وکالتنامه و سواد حکم به آستان قدس مراجعه و پول را دریافت می‌کرد. در صورت حواله شدن به محلی دیگر، فرد بعد از گرفتن برات از مستوفی آستان قدس، به محل برای دریافت وظیفه مراجعه می‌کرد. سیر پرداخت مبالغ و نوع آن در این دوره نوسان داشته است. بیشتر مبالغ، در ابتدا غیر نقدی بود و به ندرت پول نقد پرداخت می‌شد. به همین دلیل، از مزارع، در ابتدا بیشتر نام برده شده است و هرچه به سوی نقدی شدن وظیفه در اواخر این دوره پیش می‌رویم به اشکال جدیدی از محل پرداخت برای تأمین هزینه نقدی وظیفه برخورد می‌کنیم، مانند بابت حاصل ضریح مبارک، مالو جهات، از بابت توفیرات، مستغلات مشهد و وجه اجاره، رسوم سرکار خازن، و بیشتر محل‌های پرداخت نقدی از خارج از شهر مشهد به مشهد کشیده شده است. با توجه به غیر نقدی بودن بیشتر پرداخت‌ها، شکل پرداخت توسط برات یک‌ساله و در مواردی بیش از یک‌سال نیز برات صادر شده است. موارد نقدی، چنانچه در بیشتر اسناد آمده از محل صدور تنخواه بوده است. غله داده شده معمولاً به صورت گندم و جو بوده که از آن به غله مناصفه یاد شده است. معمولاً بین میزان گندم و جو پرداختی توازن و گاهی میزان جو بیشتر از گندم بوده است. وظیفه غیر نقدی به وزن تبریزی و پول نقد به عراقی، تبریزی، و خراسانی پرداخت می‌شد. وظیفه پرداختی، هر سال، با توجه به حکم صادره براساس طومار نسق و نسخه معروضه پرداخت و گاهی به طومار چند دهه قبل استناد می‌شد. از سال ۱۱۰۰ ق. از عنوان وظیفه جدیدی و «نسخه معروضه افرادی که در مجلس بهشت آیین خوانده شده و جواب صواب مقرون شده» (ساکماق: ۳۲۲۷۴/۱۴) در زمان پرداخت وظیفه استفاده شده است.

### نتیجه‌گیری

پرداخت وظیفه به موالید و مشایخ، در زمره اموری است که ارتباط نزدیکی بین آستان قدس با برخی رجال و علما در دوره صفویه به وجود آورده است. علت پرداخت این کمک، براساس اطلاعات موجود به خاطر موقوفات آستان قدس و تصمیمات شاهان صفوی بوده است. نحوه اعطای کمک به افراد، معمولاً با درخواست آنها از دربار و تأیید آن از سوی

متولی آستان قدس با صدور فرمانی ممکن بوده است. این فرمان‌ها دائمی بود و در مواقع خاص مانند فوت فرد و درخواست بازماندگان و یا قطع کمک به دلیل از بین رفتن استحقاق مجدد صادر می‌شد. احکام، برای مردان و نام زنان به علت ارث از مردان در اسناد ذکر شده است. میزان پرداخت‌ها بسته به جایگاه فرد، مختلف بود و امکان اضافه شدن مبلغ آن با صدور حکم دیگری ممکن بود. محل پرداخت‌ها به ندرت در اسناد مشخص و تعیین می‌شد و تعیین آن از اختیارات متولی بود، اما نقدی یا غیرنقدی بودن موجب در حکم صادره تعیین می‌شد. محل‌های پرداخت در سال‌های مختلف تفاوت داشت و بسته به نقدی یا غیرنقدی بودن مبلغ، محل حواله فرق می‌کرد. فرد، با در دست داشتن حکم و ارائه سواد آن برای ثبت در طومار ارباب و وظایف به آستان قدس مراجعه و بعد از انجام کارهای اداری، بسته به تعیین زمان پرداخت برای او برات صادر می‌شد. هم فردی که حکم برای او صادر می‌شد و هم وکیل وی می‌توانستند موجب دریافت کنند. در میان فهرست وظیفه‌بگیران آستان قدس، برخی، چندین نسل که معمولاً ثابت بودند این پول را دریافت می‌کردند. در ابتدای این دوره، پرداخت این مبلغ بیشتر برای خانواده‌های رجال و علمای معروف و در اواخر این دوره، نام خانواده‌های کارکنان متوفی آستان قدس نیز در فهرست گیرندگان دیده می‌شود، به نوعی که می‌توان از پرداخت و وظیفه، نوعی بازنشستگی شغلی را برداشت کرد.

### منبع

- بوسه، هریرت (۱۳۶۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو صفوی* (غلامرضا وره‌رام). تهران: موسسه مطالعات فرهنگی.
- خاتون آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲). *وقایع السنین و الاعوام* (محمد باقر بهبودی، مصحح). تهران: اسلامیه.
- روستایی، محسن (۱۳۸۷). *آشنایی مختصر با سند فرد و بازنویسی دوطغرا فرد. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. ۱۲۹.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵). *سفرنامه شاردن* (ج ۵). (اقبال یغمایی، مترجم). تهران: توس.
- شهشاهانی، عبدالوهاب (بی تا). *بحر الجواهر فی علم الدفاتر* (چاپ سنگی). تهران: بی نا.
- قاضی منشی (۱۳۵۹). *خلاصه التواریخ* (ج ۱). (احسان اشراقی، کوششگر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرزا سمیعا (۱۳۶۸). *تذکره الملوک* (محمد دبیر سیاقی، کوششگر). امیرکبیر: تهران.
- میرزا رفیعا (۱۳۸۵). *دستور الملوک* (محمد علی کرد آبادی، مترجم). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- نصیری، محمدابراهیم بن زین العابدین (۱۳۷۳). *دستور شهریاران* (نادر نصیری مقدم، کوششگر). تهران: بنیاد موقوفات افشار.



ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۶). بررسی چند سند تاریخی سیورغال و مسلمی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، ۲۰ (۳).

Willem, Floor (1988). *Fiscal History of Iran in safauid and Qajar period*. New York: Biblioteca press.

Lambton, An (1995). Syourghal. In *Encyclopediā of Islam* (vol9)

### اسناد

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (ساکماق)، اسناد شماره:

۱۳۸۳۱/۲، ۳۱۸۳۱/۶۰، ۳۱۸۳۱/۱۹، ۲۵۱۹۷  
۳۱۸۳۲/۱۲، ۳۱۸۳۲/۲۵، ۳۱۸۳۲/۲۸، ۳۱۸۳۲/۳۲، ۳۱۸۳۲/۳، ۳۱۸۳۲/۵۱، ۳۱۸۳۲/۸، ۳۱۸۳۲/۵۶،  
۳۱۸۳۲/۱۰، ۳۱۸۳۲/۲۱، ۳۱۸۳۲/۳۶، ۳۱۸۳۲/۳۷، ۳۱۸۳۲/۴۳، ۳۱۸۳۲/۲۲، ۳۱۸۳۲/۴۳،  
۳۱۸۳۲/۸، ۳۱۸۳۲/۱، ۳۱۸۳۲/۱، ۳۲۱۹۶، ۳۲۱۹۶، ۳۲۱۹۶/۷  
۳۲۱۹۶/۳۴، ۳۲۱۹۶/۴، ۳۲۱۹۶/۱۹، ۲۱۹۶/۱۹، ۳۲۲۷۴/۱۴، ۳۲۵۵۸/۴۸، ۳۲۵۵۸/۴۵، ۳۲۵۵۸/۳۱، ۳۲۵۵۸/۵۳،  
۳۲۵۵۸/۱۱، ۳۲۵۵۸/۷۷، ۳۲۵۵۸/۸۳، ۳۲۵۵۸/۳، ۳۲۱۸۲۵، ۳۲۱۹۵/۱۳، ۳۲۱۹۵/۱۲، ۳۲۱۹۵/۱۴  
۳۲۱۹۵/۱۴، ۳۲۱۹۵/۳۱، ۳۲۱۹۵/۱۴، ۳۲۱۹۵/۲۳، ۳۲۱۹۶/۸۴، ۳۲۱۹۶/۶۷، ۳۲۱۹۶/۵۹، ۳۲۱۹۶/۱۴۵،  
۳۳۴۳۹/۹۸، ۳۳۴۳۹/۳۷، ۳۳۴۳۹/۷۷، ۳۳۴۳۹/۶۰، ۳۳۴۳۹/۶۰، ۳۳۴۳۹/۷۵، ۳۳۴۳۹/۷، ۳۳۴۳۹/۶۳،  
۳۳۴۴۰/۲۳، ۳۳۴۴۰/۶، ۳۳۴۳۹/۸۱، ۳۳۴۳۹/۱، ۳۳۴۳۹/۱۹، ۳۳۴۳۹/۲۳، ۳۳۴۳۹/۶۲، ۳۳۴۳۹/۲۳،  
۳۳۴۳۹/۱۲، ۳۳۴۳۹/۶۹، ۳۳۴۳۹/۷۱، ۳۳۴۳۹/۶۲، ۳۳۴۳۹/۱۳، ۳۳۴۳۹/۸۰، ۳۳۴۳۹/۱۰۳،  
۳۴۲۸۹/۳۷، ۳۴۲۸۹/۲۱۱، ۳۴۲۸۹/۲۱۵، ۳۴۲۸۹/۹۵، ۳۴۲۸۹/۶۹، ۳۴۲۸۹/۱، ۳۴۲۸۹/۳۲، ۳۴۲۸۹/۶،  
۳۴۲۸۹/۶۷، ۳۴۲۸۹/۲۶، ۳۴۲۸۹/۲۱۱، ۳۴۲۸۹/۵۸، ۳۴۲۸۹/۵۱، ۳۴۰۲۳/۵۱، ۳۴۲۳۶/۹، ۳۴۸۷۰/۴۹، ۳۴۳۴۳،  
۳۴۸۷۰/۴۹، ۳۴۸۷۰/۴۹، ۳۴۲۱۶/۳، ۳۴۲۱۶/۱۴، ۳۴۲۱۶/۶، ۳۴۲۱۶/۱۸، ۳۴۲۱۶/۴۰، ۳۴۲۱۹/۳۹/۴۰،  
۳۴۲۲۶/۹، ۳۳۴۹۳/۱۴۵، ۳۳۴۸۷۰/۴۳، ۳۳۲۵۶/۱۱۴

روشنایان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

